

# آب معجزه است! اما نه به این دلیل!

## ردیه ای بر دلایل تجربی درباره هوشمندی آب و آسیب شناسی پیوند ناهمگون علم و دین

\*حامد صفایی پور<sup>۱</sup>، مریم عمو

**چکیده:** به تازگی بحثی با عنوان *شهادت آب* - یا *معجزه آب* - به شکلی فراگیر در جامعه ما رواج یافته است. این بحث که بر مبنای آزمونهای علمی و یافته های *دکتر ماسارو ایموتو* (۱۹۴۳م) - پژوهشگری ژاپنی - استوار است، دعاوی خاصی را درباره واکنش های هوشمندانه آب به عوامل محیطی و برخی ارزشهای اخلاقی مطرح نموده است.

آنچه پیشرو دارید مقاله ای است انتقادی درباره آزمون *هوشمندی آب* و مهمترین چالش های علمی، دینی و فلسفی که گریبانگیر آن است. نگارنده، آزمونهای دکتر ایموتو را، غیر علمی دانسته و نتایجش را پرمایه نمی بیند و آسیب شناسی صریحی را درباره قرائت های بومی و ایرانی انجام شده از این آزمون ها - در تطبیق دعاوی ایموتو با آیات قرآن و مفاهیم دینی - ابراز نموده است. این مقاله اهداف آموزشی دارد و به گونه ای تنظیم شده تا برای افرادی که حتی دلمشغولی زیادی به فلسفه و جنین مباحثی ندارند، جذاب و قابل استفاده باشد و آنان را با برخی از مهمترین ظرایف موجود - درباره روش تفکر انتقادی و آسیب شناسی ربط ناهمگون علم و دین - آشنا سازد.

واژگان کلیدی: " هوشمندی آب "، " "، " "، " خدای رخنه پوش (God of the Gap) "، " روش شناسی علمی "

### ۰ - مقدمه:

الف/ اخیراً سی-دی های گوناگونی حاوی یک سخنرانی با عناوینی همچون «شهادت آب» یا «معجزه آب»، در جامعه ما منتشر شده است.<sup>۲</sup> اساس محتوی و مبنای علمی این سخنرانی تحقیقات پژوهشگری ژاپنی با نام دکتر ماسارو ایموتو (*Masaru Emoto*) است که با ترتیب برخی آزمایش ها در شرایط محیطی گوناگون، نتایج جالبی را درباره هوشمندی و واکنش های سریع آب به این تغییرات گرفته است. لیک سخنران محترم در ارائه این بحث دایره دعاوی خود را از محتوای فعالیت های دکتر ایموتو، فراتر برده و به تطبیق برخی نتایج ایموتو با برخی مفاهیم دینی و قرآنی اقدام نموده است. برای نمونه وی تغییرات هوشمندانه آب را به مواجهه با نامهای مقدس - برای نمونه، «مادر» - با مفهوم دینی «تسبیح کائنات» در معارف دینی و قرآن کریم مربوط دانسته است.

این مقاله در درجه نخست به نقادی روش شناختی فعالیت های علمی دکتر ایموتو می پردازد و سپس، به بررسی برداشت های انجام شده از آزمونهای دکتر ایموتو - در قرائت بومی و ایرانی آن - می پردازد.

در این مقاله اهداف آموزشی نیز مدنظر بوده است، به این معنا که تلاش شده است تا متن مقاله ساده تر از متون تخصصی در فلسفه علم و دیگر حوزه های تخصصی بوده و برای سطوح مختلف مخاطبان راهگشا و آموزنده باشد. باشد که آنان را گام به گام در تمرین و تجربه روش نقد و بررسی چنین دعاوی و استدلال هایی یاری نماید. بر این اساس شاید بتوان این مقاله را به عنوان متنی جهت در جهت دقت افزایی در شناخت روش شناسی مطالعات تطبیقی - خاصه علم و دین - مورد استفاده قرار داد.

۱ دانشجوی دکتری فلسفه علم و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس تهران / safaeipour@yahoo.com

۲ انتشار این سی-دی ها در سال های ۱۳۸۶-۱۳۸۵ می باشد که توسط برخی از موسسات فرهنگی خصوصی و دولتی توزیع شده است.

ب/ دکتر ایموتو در تنظیم و عکسبرداری از کریستال منجمد آب موفقیت‌هایی داشته و در سال ۱۹۹۹ میلادی نخستین مجموعه از عکس‌هایش را با عنوان «پیامی از آب» (Message from Water) منتشر می‌نماید و پس از آن با انتشار حجم وسیعی از کتاب‌ها برای نمونه «پیامی نهان در آب» (The hidden message in water) شهرتی فراگیر پیدا میکند [۱] وی با ترتیب سخنرانی‌های بسیار بر هوشمندی، تاثیرپذیری و اهمیت آب تاکید نموده و این تلاش‌ها را به ایده پردازی درباره پروژه صلح ایموتو (Emoto Peace Project) پیوند می‌دهد.

در همین رابطه کتابی با عنوان «پیامی از آب» (Message from Water) برای گروه سنی کودکان تنظیم نموده و بر آن می‌شود تا آن را در سراسر جهان منتشر نماید و بدین وسیله پیام صلح و دوستی را- که از رفتار آب نتیجه می‌شود به همه جهانیان منتقل نماید.

او حتی از برای نام خود، سناریویی جالب طراحی می‌نماید و آن را در جهت اهداف اش مورد استفاده قرار میدهد. در زبان سانسکریت *نادا* (NADA) به معنای رودخانه و جاری، و *برهما* (BRAHMA) به معنای سرچشمه و ذات می‌باشد. در زبان ژاپنی نیز E به معنای رودخانه، و Moto به معنای سرچشمه شناخته می‌شود. بر این اساس وی نام خود را مساوی «تادا برهمن» به معنای «سرچشمه رودخانه» معرفی می‌نماید. ایموتو از همه این فعالیت‌ها قصدی جز توجه آدمیان به قدرت و پتانسیل نهان آب ندارد و این را در وب سایت شخصی اش به صراحت بیان کرده است [۲]

ج/ ممکن است پرسشی ذهن خوانندگان را مشغول کرده باشد و آن اینکه اساسا پرداختن به این موضوع و موشکافی درباره آن چه اهمیتی دارد؟ آیا بهتر نیست که آن را در حد یک سخنرانی ساده به حساب آورده و بیشتر به نتایج آن در ترغیب مردمان به حضور ارزشهای معنوی در جهان و معناداری زندگی توجه کنیم؟ پاسخ نگارنده بدین سؤال منفی است. چراکه استنتاج یک نتیجه صحیح از هر وسیله و مقدمه‌ای کاری معقول و خالی از اشکال نیست؟.

دراینباره به قرینه سؤال مطرح شده، می‌توان پرسید که آیا استفاده از چنین شیوه‌هایی به جهت نمایش ارزش‌های دینی و اخلاقی معقول و شایسته است؟

در نگارش این مقاله، اصلی‌ترین انگیزه‌های نگارنده، آسیب‌شناسی رواج فراگیر و رو به گسترش چنین رویکردهایی در حوزه مباحث علم و دین است، که گرچه با انگیزه‌های خیرخواهانه صورت می‌گیرد اما به لحاظ عقلانی و دینی قابل دفاع نبوده و خود می‌تواند تهدیدی برای مقاصد اندیشه دینی به حساب آید.

ادعان می‌دارم که امروزه موج فراگیری از امور صرفا احساسی و عقل‌گریز، در حال جایگزینی با منطق عقلانی و ژرف‌اندیشانه دینی است و اکنون این باور غلط خود را- در اشکال گوناگون- بر صحنه فرهنگ دینی جامعه ما وارد شده است. برای نمونه می‌توان به برخوردهای احساسی، غلوآمیز و رواج معنویت‌های نوظهور غربی و شرقی در جامعه اشاره نمود. [۳]

مهمترین نتیجه قطعی این پیشامد، تحقیر عقل و نادیده گرفتن مقام و منزلت علوم عقلی است. چیزی که در نظر نافذ خبرگانی همچون علامه طباطبائی (ره)، تیشه‌ای به ریشه هر دین و مذهب و آیین است.

«هیچ دین و مذهبی و هیچ روش نظری دیگری از هیچ راهی نمی‌تواند حجت عقل قطعی و صحت بحث فلسفی را نفی نموده و الفا کند، زیرا در اینصورت همان تیشه را اول به ریشه خود می‌زند...» [۴].

این غفلت، نادیده گرفتن تلاش تاریخی عالمان ژرف‌اندیش شیعی است که همواره بر تبعیت از روش‌های صحیح و مقبول دینی در مطالعات تطبیقی و بین‌رشته‌ای تاکید نموده اند [۵].

---

۱ روزنامه نیویورک تایمز این کتاب را در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار می‌دهد. این کتاب به ۴۵ زبان ترجمه شده و در ۷۰ کشور به چاپ می‌رسد.

۲ در اینجا بار دیگر ادعای این مقاله در عدم انطباق اهداف دکتر ایموتو با قرائت ایرانی آن در سخنرانی مورد بحث آشکار می‌شود برای نمونه در کارهای ایموتو حتی توجهی صریح به خداوند مشاهده نمی‌شود بلکه جستارهایش بیشتر بر اساس زمینه‌هایی در عرفانهای چینی و شرقی و برخی توجهات عرفانه به طبیعت و نیروهای نهان آن قابل تفسیر است. (اگرچه خود به صراحت به این معانی نیز اشاره ای نکرده است)

د/ آیا آزمایش های دکتر ایموتو واقعیت دارند؟ آیا این آزمون ها واقعا علمی اند؟ آیا همگان امکان انجام این آزمایش ها را دارند؟ (قابلیت آزمون پذیری همگانی) آیا این آزمایش ها بر اساس یک روش صحیح علمی صورت یافته اند؟ بر فرض که همه مشاهدات در این آزمون جلوه ای از حقایق جهان باشد و در آن نتوان تردید نمود، اکنون چه نتایج صحیحی از آنها قابل استنباط است؟ آیا تناقضی در گزاره های منتج از این آزمون ها وجود ندارد؟ آیا در این سخنرانی روش تطبیق مشاهدات علمی و باورهای دینی درست و عالمانه است؟ آیا بر اساس آیات قرآن چنین برداشت هایی را می توان حمایت کرد؟ ... اینها بخشی از پرسش هایی است که این نوشتار امید به تحلیل و ارائه پاسخ هایی درباره آنها دارد.

## ۱- بازسازی دعاوی و استدلال های سخنرانی شهادت آب؛

این سخنرانی شامل دعاوی بسیاری است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سکون و ایستایی آب، آن را زشت می کند. (شکل منجمد کریستالی آن زشت می شود.)
  ۲. شکل منجمد کریستالی آب های جاری در شهرها به دلیل گذر از میان مردم شهر، زشت شده اند.
  ۳. ( در همین حال) آب چشمه های بکر طبیعت زیباست.
  ۴. آب زیبا می شود اگر مردم در پیرامونش نباشند. (به این ادعا به عنوان نتیجه ادعای ۳ و ۲ اشاره شده است)
  ۵. دعای انسان در شکل آب موثر است. ( و آزمایشی نشان داده پس از ۱۰ ثانیه آب زشتی با دعا زیبا شده است)
  ۶. دعا از فاصله دور هم در شکل آب موثر است. ( این مطلب را ۵۰۰ کارشناس امور معنوی تایید کرده اند.)<sup>۱</sup>
  ۷. موسیقی ها و بنا بر این صدا ها) در شکل آب موثر اند.
  ۸. موسیقی های کلاسیک ( مثل بتهون، باخ و ...) آن را زیبا نموده و موسیقی متالیکا و ... آن را زشت کرده اند.
  ۹. آب حتی به نوشته روی شیشه خود واکنش نشان می دهد. برای نمونه با نوشتن نام «هیتلر» بر روی شیشه آن زشت شده و با نوشتن نام «مادر» زیبا می شود. ( این مطلب درباره دیگر واژه های ارزشی دیگر همچون «جنگ»، «صلح» و «سلام» نیز برقرار است.
۱۰. ...<sup>۲</sup>

همانطور که سخنران در ابتدای بحث اشاره می کند، به دور از همه شواهد و بررسی های انجام شده در این آزمایش، اساسی ترین ادعای آن این است که آب هوشمندانه به عوامل محیطی واکنش نشان می دهد و تغییری در شکل ظاهری و ساختار منجمد کریستالی آن نمایان می شود. از اینرو در مواردی، زشت، آشفته و بی نظم و در مواردی زیبا، و سامان یافته می گردد.

۱-۱- بازسازی مهمترین استدلال؛

اگر چه بحث ایراد شده ساختار آنچنان روشمندی ندارد، لیک در اینجا نیازمندیم تا با بازسازی استدلال ضمنی موجود در محتوای سخنرانی، امکان ارزیابی آن را فراهم آوریم.

در ساده ترین بیان چنین می نماید که صورت استدلال بدین شکل است:

(مقدمه ۱): (آزمایشهای بسیار نشان می دهد) ساختار منجمد کریستالی آب با بسیاری از ارزشها، اعمال و حتی نیت های آزمونگر، تغییر شکل یافته و بدین امر واکنش نشان می دهد. ( زیبا و زشت می شود)

<sup>۱</sup> در این سخنرانی تعریفی از «کارشناس امور معنوی» ارائه نمی شود. نمی دانیم آن ۵۰۰ کارشناس معنوی که در این آزمایش ها شرکت کرده اند، چه تخصص و رشته ای داشته اند و چرا به آنها کارشناس معنوی می گویند؟! و البته این ادعا از اساس غلط است و در سایت شخصی آقای ایموتو مشاهده نگردید.

<sup>۲</sup> خوانندگان محترمی که از محتوای این سی-دی بی خبرند مروری گذرا بر آن مفید می نماید.

(مقدمه ۲): واکنش بدین گونه است که با برخی محرکات اخلاقی خوب (مثل: موسیقی موزون و کلاسیک، دعا، و ...) زیبا گردیده و با محرکات غیر اخلاقی، (مثل: برخی موسیقی‌ها!)، نام بردن از زشتی‌ها و ... زشت و آشفته می‌شود. (مقدمه ۳): هر موجودی درباره آن مقدمه یک برقرار باشد، هوشمند است. (مقدمه ۴): هر موجودی درباره آن مقدمه ۲ برقرار باشد، علاوه بر هوشمندی گرایش‌های اخلاقی مثبت دارد.<sup>۱</sup> بر اساس مقدمات چهارگانه، نتیجه می‌شود که:

( نتیجه): آب موجودی هوشمندی است با گرایش‌های اخلاقی مثبت ( شکل کریستال منجمد آن زیبا می‌شود).

### معیار زیبایی شناسی ما چیست؟

در این سخنرانی از برای سنجش زیبایی، معیاری ارائه نمی‌شود اما از فحوای قضاوت‌ها اینچنین درونگشایی می‌گردد که *تقارن* و *شفافیت* تصاویر آب، مساوی با مفهوم زیبایی آن قلمداد شده است. این برداشت از زیبایی، خود می‌تواند موضوع نقدی جداگانه باشد. آیا زیبایی مطلق است یا نسبی؟! وابسته به دلیل است یا حالات روانشناختی انسان؟ و ... در این نوشتار نقد زیبایی شناختی را در دستور کار قرار نداده ایم، لیک سربسته اذعان می‌داریم که محتوای بحث از این منظر نیز نیازمند نقد و نظر است.

## ۲- تحلیل و ارزیابی دعاوی؛

### ۱-۳: نقد اول - نقد منطقی: مسئله سازگاری:

هر استدلالی می‌بایست به لحاظ منطقی سازگار باشد. (یعنی جمع نتیجه و مقدمه-حداقل یکی از مقدمات آن) مستلزم تناقضی منطقی نباشد. برای نمونه فرد مشکوکی که توسط پلیس مورد بازجویی قرار گرفته است، نمی‌تواند این دو ادعا را باهم داشته باشد؛

الف- دیشب ساعت ۱۰ در منزل بوده ام و ب- ۲۴ ساعت است که به منزل نرفته‌ام! چراکه سریع با این اعتراض روبرو خواهد شد که چگونه ممکن است؟!؛

اندیشه‌ای که دارای سازگاری منطقی نباشد، خود-واژگون (self-refute) است و دیگر اعتباری نداشته و بررسی صدق و کذب آن نتیجه‌ای را دربر نخواهد داشت. از اینرو غالباً وقتی با تناقضی منطقی روبرو می‌شویم به سراغ بررسی صدق و کذب آن نمی‌رویم.

شما هیچگاه به دوستی که با اعتماد به نفس مدعی است، دیروز در کیفم یک مثلث هشت ضلعی دیده‌ام (!) نمی‌گویید: بدجنس! برو کیفیت را بیاور ببینم! بلکه با تعجب به او نگاه می‌کنید و امیدوارم خونسردی خود را از دست ندهید! با این مقدمه برآنم که برخی گزاره‌های سخنرانی «شهادت آب» از اساس با یکدیگر سازگاری منطقی ندارد، متناقض بوده و خود-واژگون به حساب می‌آید. برای نمونه، چگونه می‌توان دو گزاره ذیل را به یکباره باور داشت: الف/ آب با نوشتن نام هیتلر بر روی شیشه محتوی آن زشت می‌شود.

ب/ توجهات روحانی به آب، حتی از فاصله دور هم بر آن اثر می‌گذارند.

چراکه ممکن است همان آبی که بر آن توجهات روحانی شده است بدون نوشتن نام هیتلر بر روی آن همچنان زیبا بماند! در واقع از ابتدا معیار تقسیم بندی (وجه تقسیم) منطقی رعایت نشده و آشکار نشده است. برای نمونه اگر فرزند هیتلر-که به شدت به پدرش علاقمند است- روی یک لیوان بنویسد: پدر! آب زشت میشود یا زیبا؟! یا اگر صدام نام شهید خرازی-فرمانده

<sup>۱</sup> به بیان دیگر آب موجود ارزش مداری است. ( ما در زبان عام و رایج خود چنین افرادی را مومن خطاب می‌کنیم!)

لشکر خط شکن امام حسین(ع) - را بنویسد چه نتیجه ای قابل رویت است؟! یا اینکه، بتهون با نیتی خبیثانه آهنگی دلنواز بنوازد!

این اشکالات ما را به بخش آتی این نوشتار در بررسی روش شناسی از مونهای علمی هدایت می کند. پیش از آن یادآور می شویم که اگر این مرحله از نقادی، مورد قبول واقع شود، بر اساس آن تنها می توان ادعا نمود که همه دعاوی این سخنرانی به یکباره، نمی تواند صادق باشد، لیک درباره صدق و کذب هر یک از ادعاها تا این مرحله ابراز نظری نشده است. نمی توان نمود. از اساس نیز بررسی صدق و کذب دعاوی مقدمات موجود دست نیافتنی است<sup>۱</sup>.

### ۳-۲: نقد دوم؛ نقد بر اساس روش شناسی علمی

آیا در طرح یا آزمون شهادت آب با یک آزمون علمی روبرو هستیم؟ پاسخ ما بدین سؤال به صراحت منفی است.

آزمون علمی چگونه آزمون است؟

این پرسش بر پهنای وسیعی از تاریخ علم و فلسفه سایه افکنده است و از اساس این سؤال که: «ایا مرزبندی دقیقی در میان علم و غیر علم وجود دارد یا نه؟»، خواستگاه کندوکاوهای بسیار فکری بوده است. (۶) توجه می دهیم که در اینجا مراد از «علم»، علم تجربی (science) است و بنابراین اصلی ترین مرزگزاری در اینباره، مرزگزاری علم و مابعدالطبیعه (متافیزیک) است. در نسبت با مجال و توان این نوشتار، به اختصار می توان به برخی از مهمترین دستاوردهای استاندارد و مقبول علمی و فلسفی که حاصل مباحث بسیار فلاسفه علم و اندیشمندان گوناگون است اشاره نمود. آزمون (آزمایش) علمی آزمون است که در آن چندین خصوصیت اصلی وجود دارد تا بر اساس آن امکان تولید یک باور علمی (scientific belief) مهیا باشد. اجازه دهید پیش از بیان این خصوصیات مطلب را با چند مثال روشن نماییم.

- مثال ۱:

A: همه آب ها در ۱۰۰ درجه به جوش می رسد.

به نظر شما A یک باور علمی است؟

به نظر شما A یک باور درست است؟

با کمی دقت متوجه می شوید که A درست نیست! چراکه اتفاقاً کمتر موردی پیش می آید که آب در ۱۰۰ درجه (دقیقاً در ۱۰۰ درجه) به جوش بیاید چراکه در تحقق باور A عوامل بسیار و بی شماری نقش دارند. (برای نمونه فشار هوا، میزان املاح آب، میزان حلالیت، شکل ظرف و ...)

اما از آنجاکه تحقیق درباره درستی یا نادرستی این باور در دایره دانش تجربی بشر ممکن است، A یک باور علمی و بنابراین گزاره A نادرست، اما علمی است.

- مثال ۲:

B: هرکس وقت مرگش برسد، می میرد.

به نظر شما B یک باور علمی است؟

به نظر شما B یک باور درست است؟

یقیناً تایید می کنید که این باور درست است (چرا؟)

شاید از اینرو که اساساً گزاره B جمله ای همانگویی (tautology) است. بدین معنا که ما می دانیم مرگ هر کسی در وقت مرگ اوست! و یا در وقت مردن، مرگش فرا می رسد!

<sup>۱</sup> درباره اینکه چرا یقین به صدق و کذب این دعاوی دست نیافتنی است در بخش آتی اشاره خواهد شد. پس از آنکه مشخص شود که اساساً دعاوی مطرح علمی نیست، تا بررسی مطابقت با واقع (صدق) یا عدم مطابقت (کذب) درباره اش بررسی شود.

که هر دو گزاره همواره صادق اند.

اکنون اجازه دهید به سراغ پرسش اول برویم. به نظر شما B یک باور علمی است؟ آیا می توان این جمله را دارای فحوایی تجربی دانست؟ یعنی بیازماییم که زمانی وجود دارد که کسی وقت مرگش رسیده است، اما نمرده است (!) و یا مرده است اما وقت مرگش نرسیده است (!!)

آیا ترتیب چنین آزمونی در علم و با معیار تجربه ممکن است؟ پاسخ به یقین منفی است.

این دو نمونه زمینه بیان خصوصیات آزمونهای علمی را روشن می نماید. این خصوصیات را در ادامه بر می شمیریم:

۱. گزاره های علمی گزاره هایی هستند که به لحاظ تجربی آزمون پذیر (Experimental) اند. معنای عینی (Objective) بودن در علم هم همین است. در واقع یک باور علمی مجموعه ای از گزاره هاست که به صورت همگانی تجربه پذیر است. ( مسئله آزمون پذیری همگانی و عینیت علم)

۲. از (۱) نتیجه می شود که گزاره های علمی گزاره هایی تکرار پذیرند و و بنابراین وقتی از تکرار پدیده ای محرومیم امکان تجربه درباره آن را نداریم.<sup>۱</sup> ( مسئله تکرار پذیری)

۳. نتیجه دیگر این مبانی این است که میان مشاهده و تجربه تفاوت وجود دارد. اینکه آب، یخ می زند یک مشاهده است، اما اینکه آب در چند درجه و به چه شکل و کیفیتی یخ می زند، امری نیازمند تجربه است و برای فهم آن بایستی با تکرار آزمایش ها و (هر بار) حذف یکی از عوامل موثر در یخ زدن آب، به سهم (الف) و میزان سهم هریک از این عوامل (ب) آگاهی پیدا کرد. کوتاه آنکه «تجربه علمی مشتمل بر حذف و تغییر عوامل است» [۷]. ( مسئله تمیز مشاهده و تجربه)

۴. بر این اساس وقتی یک فرضیه مبتکر به اعطای نشان قانون می شود که به دفعات در آزمونهای علمی، دقیق، همگانی و جامع شده باشد.<sup>۲</sup> ( تمیز فرضیه و قانون علمی)

۵. نتایج علمی مستلزم ارائه گزاره هایی است که در پیش بینی وضعیت آینده یک سیستم کارآمد است. اصولا ما علم را به همین دلیل مرجع دقیقی برای شناخت می دانیم که بر اساس ان قدرت پیش بینی وضعیت آتی یک سیستم، ممکن خواهد بود. ( قدرت پیش بینی)

۶. به علاوه « اگر شما مقدماتی که صرفا از جنس مطالب علمی محض باشند، آنها را منطقا در یک قیاس منطقی ترکیب کنید، نتیجه هم حتما علمی خواهد بود و نه فلسفی. عکس مطلب هم صادق است... این ... یکی از مهمترین قواعد تفکر است .. که نتیجه فلسفی نمیتواند بر علم محض ... و نتیجه علمی نمی تواند بر فلسفه محض بنا شود...» [۸].

فردی بر آن است که با هر جمله مثبت میزان قابل توجهی انرژی (به معنای فیزیکی آن) در جهان متصاعد می شود، آیا این یک باور علمی است؟

و شیمیدانی اعلام کرده است که در آزمایش سلول های خاکستری مغز، روح یک انسان را دیده است. ( باور C)

آیا می توان با حفظ تمامی شرایط بدن، فقط روح را از بدن خارج نمود تا اثر بودن یا نبودن روح مشخص شود؟

آیا روح چیزی است که به تور تجربه دانشمند بیافتد؟ (تا او بتواند بودن یا نبودن آن را تجربه کند؟)

آیا روح یک شناسه تجربی است؟

<sup>۱</sup> جالب است توجه کنید که بر این اساس برخی دانش های بسیار پراهمیت و مهم امروزه نیز غیر علمی به حساب می آیند- و یا درباره علم بودن یا نبودن آن ها چند و چون بسیار است. برای نمونه امروزه برخی از فیلسوفان علم دانش کیهان شناسی را علم نمی دانند چراکه امکان تجربه و تکرار تجربه موضوعات این علم وجود ندارد [۶]. برای نمونه نمی توان آزمونی ترتیب داد تا بررسی شود که جهان (جهان آغازین) در دمای ده به توان ۳۲ درجه چه رفتاری دارد؟ یا جهان آغازین که حجمی از ذرات زیر-اتمی است در سرعت های بالاتر از سرعت نور چگونه عمل مینمایند.

<sup>۲</sup> ناگفته پیداست که ممکن است موقعیت همین قانون های رایج به سادگی با نمودار شدن یک متغییر پنهان (hidden value) یا یک مثال نقض به مخاطره افتد و یا از اساس باطل و مردود گردد. آنچنان که در طول تاریخ علم این رویداد بارها و بارها روی داده است.

آیا باور C شما را به یاد باور B (هرکس وقت مرگش برسد، می میرد) نمی اندازد؟  
 اکنون سؤالی می پرسم:

آیا در آزمایش آب با ادعاهایی مشابه با این قسم ادعاها روبرو نیستیم؟  
 بازهم دقت کنید که در اینجا صحبت از درستی و نادرستی باورهای مورد بحث نیست بلکه موضوع بررسی علمی بودن و علمی نبودن این باورهاست.

- جمع بندی:

بر اساس مباحث استاندارد در حوزه روش شناسی علم، آزمونی علمی و تجربی به حساب می آید که از مضمون پذیر همگانی (inter-subjective testable)، آبطال پذیر (falsifiable) و ارائه دهنده قدرت پیش بینی باشد.

نگارنده این شرایط را در این آزمونها نمی بینم. ایموتو تصویری را نشانمان می دهد که در آن کریستال منجمد آب، بر اثر کشیدن شکل قلب بر روی ظرف حاوی آن، شکلی شبیه به قلب را بخود گرفته است و بر این اساس هوشمندی آب (قدرت کپی برداری آب) را نتیجه می گیرد. (به شکل نگاه کنید)

ما این نتیجه را (به قصد) می پذیریم. اکنون چه نتیجه ای از قبول این نظریه بدست می آید؟ اینکه اگر بر روی شیشه تصویر یک دست را بکشیم به همین ترتیب آب به شکلی شبیه آن می گراید یا اگر آن دست، دست مردی خبیث باشد، تصویر آن آشفته می شود؟

یا اینکه اصلاً اینبار آب واقعیت و هوشمندی خود را بر ما-که در صدد کشف اسرار نهان اویم- پوشیده می دارد؟

اساساً آیا دکتر ایموتو می تواند پیش از انجام یک آزمایش نتایج آن را به معنای دقیق یادشده، پیش بینی کند یا او تنها پس از هر آزمون قدرت توجیه و تفسیر آن را دارد؟

خود را به جای دکتر ایموتو قرار دهید. از شما می پرسم.

آقای دکتر! اگر به آب تصویری از یک فیل عظیم الجثه را نشان دهیم چه شکلی به خود می گیرد؟ می ترسد؟ لبخند می زند؟ شکل فیل می شود؟ شکل خرطومش می شود، چون آن را با یک درخت تنومند اشتباه می گیرد؟

جالب است بدانید ایموتو این کار را کرده است و بر آن است که پس از انجام این آزمایش (!) تصویری از عاجهای بلند آن در وسط کریستال منجمد آب نمودار شده است. ظاهر آب ها شیفته عاجهای بلندند نه خرطوم های طویل!

همانطور که می بینید، پیش بینی هیچ نتیجه ای برای آزمایشهای احتمالی، میسر نیست. این موارد به همراه بسیاری از گزاره های دکتر ایموتو چیزی نیست جز سوگیری برخی مشاهدات و توجیه و تفسیر دلخواهی آنها، حال آنکه آزمون علمی معنایی دقیق، عینی، تکرارپذیر و همگانی دارد.

۳-۳: نقد سوم: نقد کلامی، خدای رخنه پوش:

این بخش از مهمترین بخشهای این نقادی به شمار می آید که از جهت موضوع از بخشهای پیشین جدایی گزیده و در قلمرو مباحث دینی و کلامی جای می گیرد. واژه **خدای رخنه ها** (God of the gaps) یا خدای رخنه پوش یکی از واژه های متداول در جمله مباحث **علم و دین و الاهیات طبیعی** (Natural theology) است. خدای رخنه پوش، شکلی از تبیین است که به تبیین نادانسته ها و رخنه های معرفتی بشر -که علم امروز فعلاً- قادر به توضیح آنها نیست، می پردازد. این مفهوم در دوره های پیشین - به ویژه در قرن هجدهم و نوزدهم- در بعضی روایتهای الاهیات طبیعی راه یافته بود و مدتهاست که فیلسوفان، عالمان الاهیات- و حتی دانشمندانی که به مباحث فلسفی-الهیاتی توجه دارند- هرگونه عقیده به خدای رخنه پوش



Heart mark  
 Look how water can copy what it was shown. A cute little heart appeared!



Elephant  
 We showed this water a photograph of an elephant. Can you see the long trunk in the middle of the crystal?

را مفهومی غیرقانع‌کننده تلقی می‌نمایند. خدای رخنه پوش خدایی است که، غیر از آفرینش طبیعت و به کار انداختن اولیه آن، عهده دار برطرف کردن رخنه‌هایی است که در کارکرد طبیعت به وجود می‌آیند.<sup>۱</sup>

بر اساس تلقی خدای رخنه پوش، خداوند پس از آفرینش طبیعت و به کار انداختن آن به طور مستمر در نقش رخنه پوش- تعمیرکار- ظاهر می‌شود. مثلاً در تاریخ علم، خدای نیوتن- خدایی که در ورای الاهیات طبیعی نیوتن به نمایش در می‌آید- خدای رخنه پوش به حساب می‌آید [۹]. در نظر نیوتن، خداوند گهگاه در کار جهان مداخله می‌کند و سیارات منحرف را به مسیر اصلی خود- همان مسیری که قانون گرانش عمومی پیش بینی می‌کند- باز می‌گرداند و بدینوسیله، از به هم خوردن تعادل منظومه شمسی جلوگیری می‌کند، درست همان گونه که یک تعمیرکار گهگاه با تعمیرات خود به برطرف کردن رخنه‌ها می‌پردازد.

### ۳-۱: انتقادات علمی و فلسفی درباره خدای رخنه پوش؛

بر طرح و ایده خدای رخنه پوش اشکال‌های بسیاری مترتب است. برخی از این موارد فهرست شده اند:

۱- خدای رخنه پوش خدایی است که تنها فعالیتی بازدارنده و نقشی انفعالی دارد. (خدای رخنه پوش بغایت محافظه‌کار است).  
۲- رخنه پوشی خداوند یک فرضیه است. ۳- فرضیه رخنه پوشی خداوند فرضیه‌ای توصیفگر نیست. ۴- فرضیه رخنه پوشی خداوند فرضیه‌ای نامعتبر است. ۵- خدای رخنه پوش خدایی است در عرض پدیده‌های جهان که جایگزین عوامل طبیعی شده است.

بیان تفصیلی و طرح همه این اشکالات خارج از استطاعت و هدف اصلی این مقاله است، لیک از برای تمهید مقدمات لازم در نقادی به مهمترین نکات اشاره شده است.

### - الف: اعتقاد به خدای رخنه پوش زائیده کاستی در شناخت امور مابعدالطبیعه (متافیزیک) است.

آنچنان که اشاره شد، نیوتن بازگشت سیارات را از مسیر منحرف شده به مسیر اصلی، معلول هیچ عامل طبیعی نمی‌داند، بلکه آن را بی‌هیچ واسطه، کار خداوند (فعل الهی / divine action) می‌شمرد و این دقیقاً به معنای جانشین نمودن خداوند بجای عوامل طبیعی است.

سی ای کولسون (C.A. Coulson) فیزیک‌دان معاصر، تأکید می‌کند: «خدای رخنه پوش» وجود ندارد چراکه این رخنه‌ها روزی، پُر خواهند شد... «خداوند را باید در دانسته‌ها یافت نه در نادانسته‌ها» [۱۰].

به سراغ خدای رخنه رفتن ناشی از غفلتی اساسی و اشتباهی خطرآفرین در فهم کیفیت ارتباط خداوند و جهان است و بی‌توجهی بدین امر که اگر علتی جانشین علتی مادی و طبیعی گردد، دیگر نمی‌تواند علتی ماوراء طبیعی قلمداد شود و هم‌دوش و هم‌درجه ماده قرار نگیرد.

استاد شهید مرتضی مطهری در بیانی گزیده به این نکته توجه داده اند:

«طبیعت و ماوراء طبیعت در طول یکدیگر قرار گرفته‌اند نه در عرض هم؛ نه یک علت طبیعی می‌تواند جانشین یک علت ماوراء طبیعی شود و نه یک علت ماوراء طبیعی می‌تواند هم‌درجه یک علت طبیعی قرار گیرد» [۱۱].

به نظر می‌رسد بروز چنین اشکال‌هایی ناشی از فقدان بصیرت وجودی درباره جهان و هستی‌شناسی فلسفی است که غالباً گریبانگیر برخی اندیشمندان مسیحی-یهودی شده است [۱۲].

در اینباره اما در سنت فلسفه اسلامی ظرفیتهای مهمی وجود دارد که توجه به آنها ما را از ابتلاء به اینگونه اشکالها می‌رهاند و در واقع این اشکالات را، در سطحی بسیار بنیادی و قابل دفاع، حل و فصل می‌نماید.

<sup>۱</sup> مکانیکی را در نظر بگیرید که تعمیرکار یک ماشین است که، علاوه بر اینکه سازنده آن است، در مواقع لزوم آن را تعمیر می‌کند و اگر رخنه‌ای در آن پدید آید، مثلاً قطعه‌ای از آن شدیداً فرسوده شود یا زنگ بزند، برای رفع این رخنه و تعمیر آن اقدام می‌کند.



یکی از مباحث بدیع و نوظهور در فلسفه اسلامی-که در متون فلسفی پیش از اسلام سابقه ندارد[۱۳]- بحثی جامع درباره ملاک نیازمندی معلول به علت است که با اصطلاح «مناط افتقار معلول به علت» شناخته می شود. از میان گستره و جذابیت های این بحث، آنچه در نسبت با هدف و استطاعت این مقاله قابل اشاره است این است که در نظام فلسفی و وجودشناختی ملاصدرا، ملاک نیازمندی جهان به خداوند، فقر وجودی آن است و حتی صفت حدوث- که از برای متکلمان ملاک نیازمندی معلول به علت است- نیاز به علتی ماوراء علت ذات ندارد.

«ممکن است اتصاف شیء به صفاتی، امری امکانی باشد نه وجوبی، اما همین که شیء به این صفت متصف شد، اتصاف به صفت دیگر برای او واجب و ضروری است و چنین صفتی که از ذاتیات شیء است، نیاز به علتی و رای علت ذات ندارد»[۱۴].  
بر آگاهان معلوم است که چنین تبیینی چگونه راه را در تبیین بسیاری از امور هموار نموده و چگونه از همه اشکالات مربوط به علت-در اندیشه های هیوم و برخی متکلمان اشعری-برای نمونه امام الجوینی- فائق می آید[۱۵].

اما این مبانی فلسفی در بحث درباره خدای رخنه پوش به چه شکل درمی آید؟  
واضح است که وقتی ملاک نیازمندی جهان (هستی) به خداوند فقر وجودی آن است، بودن یا نبودن رخنه در فهم علمی بشر، نقشی در کیفیت ارتباط خداوند(خالق) و هستی(مخلوق) ندارد، چه رسد به آنکه خداوند پوشاننده رخنه های جهان باشد. جهان در فقر وجودی محض نسبت به هستی بخش خود بوده و این امر مابعدالطبیعی ابداعی امری تجربی و علمی نیست تا با امور طبیعی و تجربی مقایسه گردد و یا این دو جایگزین یکدیگر شوند. هر تبیینی با شاکله روش شناختی خدای رخنه پوش، از فقدان بصیرت مابعدالطبیعی و وجودشناختی ناشی می شود.

۳-۳-۳: از خدای رخنه پوش تا خدای قرآن کریم

در قرآن کریم-در بیش از ۷۰۰ آیه- به صورت مستقیم به جهان طبیعت اشاره رفته است. پیدایش آسمان و زمین، گردش فلکی خورشید و ماه، حرکت کوهها، ریزش باران و روییدن گیاهان، و موارد گوناگون دیگر بخشی از این موارد اند[۱۶] که همگی به اراده الهی و تقدیر او درباره جهان نسبت داده شده اند.

روش طرح و مهمترین هدف قرآن کریم در سیاق اینگونه آیات توجه به هستی و جهان طبیعت و دعوت خردمندان و اندیشمندان به تفکر در مراد خلقت و هدفمندی آن است[۱۷].

تا بدین وسیله بر مبنای شناختی دقیق و واقع بینانه «خلقت بودن» جهان، اتقان و استواری، و حرکت مقدر آن بر اساس هدایت خداوند بر اندیشه های حقجوی مردمان روشن گردیده و خداوند در کلام انبیاء اینگونه معرفی گردد: *قال ربُّنا الذی اعطى كُلَّ شىءٍ حَلْقَهُ ثمَّ هدى (طه / ۵۰)*  
دراینباره اما آنچه جالب توجه است این است که در هیچ یک از این آیات، وابستگی جهان به خداوند بر مبنای جهل و نادانی ما از علل طبیعی رویداد نبوده است، بلکه تنها جنبه معلوم حقایق، مبنای این شناخت قرار گرفته اند.

«قرآن هیچگاه به مواردی که نظمی بهم خورده و حسابی بهم ریخته، برای اثبات توحید استشهد نمی کند، به مواردی استشهد می کند که مردم مقدمات و علل طبیعی آنها را می دانند و خود همین نظم را به گواهی می خوانند»[۱۸].

برای نمونه درباره آب لطایف قرآن بدیع و قابل توجه است. قرآن درباره اصل نزول آب، وابستگی کل حیات به آن، تنظیم ظرفیت حجم ریزش و جریان یافتن آب بر روی زمین، عدم امتزاج آبهای شور و شیرین و عدم فرورفتن بی حساب آن به درون زمین- و موارد قابل توجه دیگر- اشارات صریح فراوانی دارد[۱۹]. لیک در هیچیک از این موارد، جر جنبه معلومات شناخت بشر را، موضوع دعوت به تفکر و ژرف اندیشی قرار نداده است. از اینرو خدای قرآن کریم خدای رخنه پوش نیست و از پس طرح معماهای ناشی از جهل علمی بشر به میدان نیامده است تا اگر راز نادانسته ها برملا شد از وابستگی خداوند به جهان کاسته شود و دیگر نیازی به تبیین خداپورانه آن نباشد.

با این همه اشارات همیشگی کلام خداوند در قرآن کریم تاکید بر وابستگی همه عوامل و اراده ها به اراده و فعل الهی است. در کلام قرآن، اوست که می خنداند، اوست که می گریاند، اوست که حرکت می دهد، اوست که شفا میدهد، اوست که باران را فرو باریده و با باران گیاهان را می رویاند و بنابراین، اوست که سیارات منحرف جهان نیوتنی را به مسیر اصلی شان باز می

گرداند(!). با این حال خداوند در طول عوامل طبیعی مؤثر است، و حضور و اراده او جای هیچ یک از عوامل طبیعی را نگرفته است. قرآن کریم فروباریدن باران را کار خداوند (فعل الهی) می داند اما این بدان معنا نیست که نقش نیروی گرانش را انکار کند یا جهل بشر از نیروی گرانش را زمینه دعوت به خود قرار دهد. به علاوه، قرآن کتابی از برای توضیح طبیعت و بیان تفصیلی قوانین آن نیست، بلکه کتاب ذکر و بیدارگری است و با این هدف به موضوعات علمی و طبیعی پرداخته است. خداوند در قرآن کریم می گوید: . . . مَا مِنْ ذَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ<sup>۱</sup>، تا انسان مسلمان را بدین معنا رساند که: چنگ و قانون جهان را تارهاست/ ناله هر تار در فرمان تو!

۳-۴: خدای رخنه پوش در سخنرانی شهادت آب؛

نگارنده بر آن است که سخنرانی شهادت آب، دربردارنده نوعی تبیین در شکل خدای رخنه پوش است. بدینگونه که مجهول پیشروی خود را (به فرض که واقعا ما با مجهولی در علم روبرو باشیم)<sup>۲</sup> دربارۀ علل تغییر شکل کریستال منجمد آب به عاملی فراطبیعی نسبت می دهد، درحالیکه ممکن است جهل علمی امروز ما، دلیل ناتوانی ما در ارائه تبیینی صرفا علمی و طبیعی دراینباره باشد. (آنچنان که چنین است و در بخش ۴ دراینباره سخن می گوئیم)

این عامل فراطبیعی در آزمایشهای دکتر ایموتو، هوشمندی آب (ادعای حداقلی) و در قرائت ایرانی آن به هوشمندی آب و امرتسبیح کائنات، از برای خداوند (ادعای حداکثری) مرتبط شده است.

تفسیر مشاهدات مربوط به زیبا و زشت شدن کریستال منجمد آب، به امر تسبیح گویی آن از برای خداوند ما را با اشکالات علمی؛ دینی و فلسفی تازه ای روبرو می سازد که در بخش آتی به اختصار بدان می پردازیم. منتها پیش از آن بار دیگر یادآور می شویم که مسئله انکار امر تسبیح کائنات نیست، که اساسا این باور باوری علمی و تجربی نیست تا با آزمون و آزمایشی ابطال و مردود گردد بلکه هدف نشان دادن وجه نامربوط و بی اعتبار استدلالهای تجربی و انطباق ناشایسته حوزه های دینی و تجربی (علمی) است.

۳-۵: دو تلقی از تسبیح کائنات، درس ها و عبرت ها

این امر نادری نیست که برخی اندیشمندان مسلمان در اثر آشنایی نسبی و اجمالی با برخی اندیشه های فلسفی، عرفانی و یا علمی به تطبیق آیات و روایت با اینگونه اندیشه ها بپردازند. برای نمونه آیات شریفه قرآن را مدلول یکی از معارف بشری و نحله های فکری به حساب آورند. اما عجیب است که این کار تطبیقی - که در ذات خود با دشواری بسیار تنیده است - از برای برخی ساده و آسوده سپری می شود و به سادگی به نامهایی همچون تفسیری عرفانی و علمی قرآن مسمی می شود.

اگرچه اشکالات مربوط به سخنرانی **شهادت آب** بدیهی تر از آن است که حتی حاجتی به تدقیق عمیق داشته باشد، لیک ذکر برخی نکات درباره اصول به انجام رساندن چنین پروژه های تطبیقی می تواند مفید باشد.

در این سخنرانی مشاهدات مربوط به زیبا و زشت شدن آب، با تسبیح گویی آب مطابقت می شود و آزمون از بنیان بی اساس، با تفسیری بر آیات قرآن کریم معادل گرفته می شود!

عجیب است! امام خمینی (ره) - فیلسوف و عارف فرزانه - با تمام ارادتی که به حکمت متعالیه دارد در مواجهه با قرآن کریم و تطبیق معارف فلسفی با آیات قرآن کریم به خود می لرزد و از این امر اجتناب میکند، اما دیگری با ساده انگاری و ذوق زدگی، نه اندیشه ای فلسفی و عرفانی، بلکه باوری ناهمگون و شبهه علمی را به سادگی بر مفهومی دینی و قرآنی حمل می کند!

و عجیبتر آنکه امام خمینی (ره) خود در برخی از آثارش به اندیشمندانی که بر اساس اندیشه های فلسفی و وجودشناختی خود، تسبیح کائنات را مساوی همان وابستگی تکوینی جهان به خداوند گرفته اند، اعتراض می نماید و تصریح می کند که تسبیح - در معنای قرآنی اش - شامل تسبیح نطقی کائنات است و اینگونه دعاوی را «تاویل بی برهان محجوبان» نام می نهد [۲۰].

<sup>۱</sup> هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهار هستی اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است. (هود/۵۶)

۲ - به یاد دارید که در بخش دوم این نوشتار، در بحث درباره لوازم تحقق یک آزمون به واقع علمی، این فرض را مردود و مشکوک دانستیم.

«دار وجود، اصل حیات و حقیقت علم و شعور است و تسبیح موجودات تسبیح نطقی شعوری ارادی است نه تکوینی ذاتی، که محجوبان گویند و تمام آنان به حسب حظّی که از وجود دارند به مقام باری - جلت عظمته - معرفت دارند» [۲۱]. با این اشارت پرواضح است که حمل یکسویه آیات الهی بر یک یا چند موقعیت انتخابی فیزیکی چه حکمی دارد (۱).

۳-۳-۶: آسیب شناسی اجتماعی و دین شناختی توسل به خدای رخنه پوش:

وقتی حضور خداوند در دایره زندگی، وابسته به پوشاندن رخنه ها در علوم و مجهولات بشر باشد، بی آنکه بخواهیم یا بدانیم که چه می کنیم، مشروعیت را از خدا گرفته و به علم بخشیده ایم! در چنین رویکردی خداوند از برای آنکه بتواند از بندگان خود دلی رباید و ایمانی بنا کند باید که در پوشاندن رخنه ها خوش درخشد و به کار تبیین علمی دانشمندان درآید. خدایی چونان «معماری بازنشسته» که چندی یکبار، در شکاف های رایج طبیعت قدرت نمایی می کند.

«در این رویکرد ما را به دین حاجتی نیست مگر هنگامی که خلأ و شکافی در طبیعت بیابیم و علم زمانه نیز از پوشاندن شکاف ها عاجز باشد، آنگاه خود را ناچار می بینیم که از حساب دین خرج کنیم اما به تجربت دیده شده که خدای رخنه پوش هیبت و جلالش تنها در ناتوانی و نقص علم زمانه است و لذا در این جاست که هر کشفی که از جنبه علم برمی خیزد، آهی از خیمه دینداران بلند می شود. خدای رخنه پوش توجه کننده جهل موقتی ماست ونه بیش از این» [۲۲]. چنین خدایی هم زاییده تفکر صرفا حسی و تجربی (حس گرایانه) است و هم قوام بخش آن. بر همین اساس طرح چنین مباحثی نیز بیشتر مقوم خدای مسیحیت و تفکرات ماده انگارانه غرب است تا آنکه مربوط به اندیشه های برهانی قرآن کریم باشد. رواج اینگونه اندیشه ها در جامعه ما بی دلیل نیست. وقتی علم (علم تجربی) بر کرسی قدرت و مرجعیت نشسته است دین نیز باید از همین نزدبان بالا رود، اما این چگونه ممکن است که همه ابعاد دینی که اساسی ترین مبادی آن ایمان به غیب است، و از شهود به نحوی فاصله گرفته است، در دایره محسوسات محصور و خلاصه شود؟! [۲۳] در اینجا معرفت دینی، استقلال خود را از دست می دهد و تنها به عنوان امری رازآمیز در عرض دیگر مجهولات جهان قرار می گیرد. خیلی عجیب نیست که در جامعه ای که عادات زبانی دنیای مدرن بروز یافته و فلسفه زندگی مردمان با فلسفه مدرسی مدارس و حجره ها تطابق شایانی ندارد، نگرشی معنوی بر مبنای علم، با عطشی زایدالوصف روبرو شود و قصه آزمایش های دکتر ایموتو بسی دلنوازتر از صغری و کبرای بانیان دعوت دینی باشد! چرا که دینی که مبنای خود را از احساسات صرف، وام گرفته است در پی احساسی تازه و دلرباتر، جا خالی میکند! و این موضوع پرسش هایی مخاطره انگیز را دامن می زند. برآستی چرا امروزه، علم و تجربه در مقام مرجعیت معرفت بشر نشسته است؟ و غیب، مابعدالطبیعه و برهان، چگونه و در چه زمانی، ملازمت و همراهی خود را در مرز طبیعت و تجربه با آن ازدست داده است؟! چرا دیگر کسی «کتاب الادویه» را در کنار «کتاب الادعیه» نمی نویسد؟ و چرا دیگر افقه فقه های زمان، همچون نصیر الدین طوسی، ریاضی دان، منجم و حکیم اسلامی بر بام رصدخانه مراغه، در ملکوت آسمان و زمین تفکر نمی کند؟!... باید اندیشید که امروز، مرجعیت حقیقی از آن کیست؟! و این مرجعیت در کجا و چگونه تحقق می یابد.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۷: شهادت آب و کثرت گرایی دینی؛

از دیگر اشکال های این سخنرانی نتیجه ای است که ناخواسته از مقدمات آن بر می آید. اگر آب نسبت به مناجات بودائیان، دعای مسلمانان، کلمات مثبت بین المللی،- همچون صلح و سلام- و موسیقی های کلاسیک باخ و موتسارت، با واکنشهایی غیر قابل پیش بینی، زیبا می شود و با هوشمندی اش، دآوری اخلاقی خود را به اثبات می رساند، یکی از نتایج این واکنش، تایید و استحکام کثرت گرایی دینی (*religious pluralism*) است. بدین معنا که نشان می دهد آب، اندیشه های گوناگون را که

۱ هدف از طرح این بیانات خطابی تاکید بر اهمیت این پرسش هاست. پاسخ به این سئوالات عزم جدی و همت والای متفکران را می طلبد و ورود به عرصه پاسخگویی آنها، جز بدانگونه که به اشارت رفته است، در استطاعت نگارنده و نوشتارش نیست.

هریک سهمی از حقیقت و نمادی از راستی و واقع‌نمایی دارند، تایید می‌نماید. حتی اگر در برخی از این اندیشه‌ها آتش و دریا و خورشید را به جای خداوند پرستند(!). در اینجا قصد نگارنده نفی و یا اثبات کثرت‌گرایی دینی نیست، بلکه برانم تا توجه دهم که پذیرش چنین نتایجی از آزمایش‌های دکتر ایموتو-آنچنان که اکنون در میان برخی دینمداران جامعه ما شایع شده است(!)- با حقانیت یک دین، تناقضی قطعی دارد. بیش از این، مشخص نیست که اگر در سال آینده دکتر ایموتو بر روی یکی از لیوان‌های آزمایش‌اش نام یکی از اولیاء دین اسلام را نوشت، و از بد حادثه شکل کریستال منجمد آب، زشت و بدترکیب شد، و نتیجه گرفت که بر این اساس، *اسلام دین خُسونت است*، دوستان خیر اندیش با آن چه می‌کنند!؟

### ۳- تبیین طبیعی درباره نظم و زیبایی کریستال منجمد آب

پیش از این اشاره نمودیم که در مقام یک تبیین مابعدالطبیعی هیچ تبیین طبیعی بکار نمی‌آید و اساساً توان تبیین‌های طبیعی (*Natural explanation*) در توضیح *چگونه‌ها* و تبیین‌های مابعدالطبیعی در توضیح *چراها* می‌باشد. پس باید از برای علل شکل‌گیری اشکال گوناگون منجمد کریستال آب- یا اشکال گوناگون دانه‌های برف که سخنران در یکی از سخنرانی‌های خود بدان اشاره می‌کند- تبیینی طبیعی وجود داشته باشد. بر اساس تحقیق فعلی نگارنده یکی از تبیین‌هایی که در اینباره وجود دارد، بحثی است با عنوان *تقارن‌های موضعی خود بخود-شکسته شده (spontaneously broken local symmetries)* که رهاورد پژوهش‌های نوین در حوزه فیزیک نظری می‌باشد. [۲۴] در استطاعت این مقاله نیست تا این نظریه را به تفصیل بیان کند، و قصد اثبات درستی این تبیین و نتایج آن نیز وجود ندارد بلکه تنها تاکید بر جایگاه یک تبیین طبیعی در نسبت به یک تبیین مابعدالطبیعی هدف اصلی این مقاله است. با این توجه، به نظر می‌رسد مطالعه بحث *تقارن‌های موضعی خود بخود-شکسته شده* از برای علاقمندان رشته‌های فیزیک احتمالاً جالب توجه خواهد بود.

### ۴- مهمترین نتایج:

بر اساس دلایل مطرح در این نوشتار، دعاوی مطرح در آثار و کتاب‌های دکتر ایموتو و بازخوانی آنها در سخنرانی‌های مورد بحث با اشکالات ذیل روبرو می‌باشد:

- بر اساس مشاهدات و دلایل ارائه شده، ادعای هوشمندی آب نتیجه‌ای موجه و مقبول نیست.
- آزمون‌های مورد اشاره در کارهای دکتر ایموتو، آزمون‌هایی علمی به حساب نمی‌آیند و با روش‌شناسی علمی حمایت نمی‌شوند.
- روش استدلالی این سخنرانی، به اشکالات مربوط به *خدای رخنه پوش* مبتلا است.
- مساوی دانستن مفهوم هوشمندی آب با مفهوم قرآنی تسبیح، با مخاطرات بسیار دیگر روبرو می‌شود.
- خدای قرآن کریم، خدایی رخنه‌پوش نیست و وابستگی جهان و هستی به او، امری عقلانی بوده و تبیین مابعدالطبیعی دارد.
- قبول نتایج آزمایش‌های دکتر ایموتو مستلزم قبول کثرت‌گرایی دینی است.
- تغییرات شکل کریستال منجمد آب تبیینی طبیعی دارد که با عنوان *تقارن‌های موضعی خود بخود-شکسته شده* شناخته می‌شود.

- لازم است که اندیشمندان و واعظان دینی رتبت و ارزش مقدمات و براهین مقبول خود را پیش از ترویج آن در میان خواص و عوام، به برهان **عقل صریح** و **سنت قطعی** عرضه کنند و از برای اثبات و ترویج دین از هر وسیله ای بهره نگیرند!

اکنون باید مراد از نامیدن این مقاله با عنوان: **آب معجزه است، اما نه به این دلیل!** روشن شده باشد و اگر چنین باشد وامدار لطف الهی و صبر خواندگانیم. برای پرده برداری از اعجاز آب-آنچنان که فرموده است- قدری به آب بنگرید. برهانش قاطع و دلپش آشکار است. **أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸) أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ**

### پینوشت:

۱. به نقل از: [www.Emotoproject.org](http://www.Emotoproject.org)
۲. به نقل از: [www.Internationalwaterforlifefoundation.org](http://www.Internationalwaterforlifefoundation.org)
۳. برای مطالعه ای دقیق دراینباره می توان به آثاری که به تازگی در عرصه «عرفان های نوظهور» به چاپ رسیده است رجوع نمود.
۴. کدیور؛ محسن؛ دفتر عقل؛ انتشارات اطلاعات؛ ۱۳۷۷؛ ص ۱۱۸
۵. برای مطالعه درباره روش شیعه در علوم، بنگرید به: طباطبائی؛ محمدحسین؛ شیعه، مذاکرات و مکاتبات پرفسور هانری کربن و علامه طباطبائی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ ۱۳۸۵؛ چاپ پنجم؛ ص ۴۱-۵۶
۶. سروش؛ عبدالکریم؛ علم چیست؟ فلسفه چیست؟؛ انتشارات صراط؛ ۱۳۸۶؛ چاپ شانزدهم؛ ص ۲۲
۷. سروش؛ عبدالکریم؛ علم چیست؟ فلسفه چیست؟؛ انتشارات صراط؛ ۱۳۸۶؛ چاپ شانزدهم؛ ص ۲۲
۸. سروش؛ عبدالکریم؛ تفرج صنع، گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی؛ انتشارات صراط؛ ۱۳۸۶؛ چاپ ششم؛ ص ۴۰۴
۹. نصر؛ سید حسین؛ (۱۳۸۵)؛ دین و نظم طبیعت؛ نشر نی؛ چاپ اول؛ ص ۱۸۵
۱۰. فطورچی؛ پیروز؛ تاملی درباره رویکردهای جدید در الاهیات طبیعی با نگاه به حکمت اسلامی؛ نامه علم و دین؛ (نشریه علمی-خبری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)؛ ۱۳۸۰؛ سال پنجم؛ شماره ۵-۶؛ پیاپی ۱۱-۱۲؛ بهار و تابستان ۸۰
۱۱. مطهری؛ مرتضی؛ مقالات فلسفی؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۷۱؛ چاپ هفتم؛ ص ۴۰
۱۲. برای نمونه به توسل به خدای رخنه پوش ر.ک: صفایی پور؛ حامد. (۱۳۸۵) «روش شناسی اصل انسانی کیهان شناختی» دانشکده علوم انسانی-گروه فلسفه علم - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. فصل چهارم.
۱۳. مطهری؛ مرتضی؛ مقالات فلسفی؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۷۱؛ چاپ هفتم؛ ص ۴۱
۱۴. خادمی؛ عین الله؛ علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و تجربه گرا؛ بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۰؛ چاپ اول
۱۵. برای تحقیق در باره عقاید اشعریان درباره علیت ر.ک: فاخوری؛ حنا و جر؛ خلیل؛ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی؛ مترجم: عبدالحمید آیتی؛ انتشارات علنی و فرهنگی؛ ۱۳۵۵؛ چاپ هفتم. و از برای تدقیق در مسئله علیت ر.ک: یثربی؛ سید یحیی؛ حذف علیت یعنی حذف عقل؛ ۱۳۸۳؛ فصلنامه قسبات شماره ۳۵؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۶. گلشنی؛ مهدی؛ قرآن و علوم طبیعت؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۱۳۸۴؛ چاپ سوم؛ ص ۱۰۹-۱۱۴

<sup>۱</sup> در پایان اعلام می دارم که نگارنده(گان) در مقاله ای دیگر با عنوان "ریزیبنی های فلسفی در ریزتنظیمی و به سامانی ملکول آب" به بیان نمونه ای از برخورد ایجابی درباره روش صحیح طرح نظم و تدبیر جهان پرداخته است(اند).

۱۷. ایازی؛ محمد علی؛ قرآن و نحوه بیان عقاید (جزوه درسی)؛ درس اول
۱۸. مطهری؛ مرتضی؛ ۱۳۷۱؛ مقالات فلسفی؛ انتشارات صدرا؛ چاپ هفتم؛ ص ۴۱
۱۹. انصاری؛ محمد علی؛ زلال آب در آینه وحی؛ انتشارات بیان هدایت نور؛ ۱۳۸۳؛ چاپ دوم؛ ص ۸۱-۹۰
۲۰. ارشادی نیا؛ محمدرضا؛ تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر متون دینی از دیدگاه امام خمینی(ره)؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۴؛ ص ۲۶
۲۱. همان. همچنین: خمینی؛ روح اله؛ سرالسلامه؛ پیام آزادی؛ ۱۳۶۰؛ ص ۱۶۴
۲۲. معتمد دزفولی؛ فرامرز؛ تعامل علم و دین در اندیشه دکتر بازرگان؛ مقاله اینترنتی
۲۳. برای تدقیق در روش شناسی تبیین ارتباط غیب و شهود و چالش مربوط به تفکر مادی و تجربی بنگرید به: مطهری؛ مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۸۶؛ چاپ چهل و نهم؛ ص ۲۰۹
۱. جهت تدقیق درباره این نظریه فیزیکی ر.ک: صفایی پور؛ حامد. **روش شناسی اصل انسانی کیهان-شناختی**، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۵.

### کتابنامه؛

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند
۲. ارشادی نیا؛ محمدرضا؛ تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر متون دینی از دیدگاه امام خمینی(ره)؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۴.
۳. انصاری؛ محمد علی؛ زلال آب در آینه وحی؛ انتشارات بیان هدایت نور؛ ۱۳۸۳؛ چاپ دوم.
۴. ایازی؛ محمد علی؛ قرآن و نحوه بیان عقاید (جزوه درسی)؛ درس اول
۵. حکیمی؛ محمدرضا. اجتهاد و تقلید در فلسفه؛ انتشارات دلیل ما؛ ۱۳۸۳؛ چاپ چهارم.
۶. خادمی؛ عین الله؛ علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و تجربه گرا؛ بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۰؛ چاپ اول
۷. خرمشاهی؛ بها الدین؛ ۱۳۷۰ "خدا در فلسفه" (برهانهای فلسفی اثبات وجود باری)؛ ترجمه مقالات استندفورد؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ سوم
۸. سروش؛ عبدالکریم؛ علم چیست؟ فلسفه چیست؛ انتشارات صراط؛ ۱۳۸۶؛ چاپ شانزدهم.
۹. سروش؛ عبدالکریم؛ تفرج صنع، گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی؛ انتشارات صراط؛ ۱۳۸۶؛ چاپ ششم.
۱۰. صفایی پور؛ حامد. (۱۳۸۵) «روش شناسی اصل انسانی کیهان شناختی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی-گروه فلسفه علم - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۱. طباطبائی؛ محمدحسین؛ شیعه، مذاکرات و مکاتبات پرفسور هانری کربن و علامه طباطبائی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ ۱۳۸۵؛ چاپ پنجم
۱۲. کدیور؛ محسن؛ دفتر عقل؛ انتشارات اطلاعات؛ ۱۳۷۷.
۱۳. فطورچی؛ پیروز؛ فصلنامه ذهن شماره ۲۰ و ۲۱؛ برخی ویژگیهای جهان طبیعت در مباحث علم و دین
۱۴. فطورچی؛ پیروز؛ تاملی درباره ی رویکردهای جدید در الاهیات طبیعی با نگاه به حکمت اسلامی؛ نامه علم و دین؛ (نشریه علمی-خبری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)؛ ۱۳۸۰؛ سال پنجم؛ شماره ۵-۶؛ پیاپی ۱۱-۱۲؛ بهار و تابستان ۸۰
۱۵. گلشنی؛ مهدی؛ قرآن و علوم طبیعت؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۱۳۸۴؛ چاپ سوم.
۱۶. مطهری؛ مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۸۶؛ چاپ چهل و نهم
۱۷. مطهری؛ مرتضی؛ مقالات فلسفی؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۷۱؛ چاپ هفتم.

۱۸. معتمد دزفولی؛ فرامرزی؛ تعامل علم و دین در اندیشه دکتر بازرگان؛ مقاله اینترنتی، ( در دسترس در pishani.ir) (۱۳۸۸)

۱۹. هات؛ جان اف؛ ترجمه : بتول نجفی؛ علم و دین از تعارض تا گفتگو ؛ کتاب طه ؛ ۱۳۸۲؛ چاپ اول.

۲۰. یثربی؛ سید یحیی؛ حذف علیت یعنی حذف عقل؛ ۱۳۸۳؛ فصلنامه قیاسات شماره ۳۵؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲۱. نصر؛ سید حسین؛ (۱۳۸۵)؛ دین و نظم طبیعت؛ نشر نی؛ چاپ اول.

22. Stenge,victor J.(2000):Natural explanations for the Anthropic coincidences.philo,vol.3 No.2 ,full winter 2000.

23. Stenge,victor J.(2001):Intelligent Design,the New Stealth Creationism.<http://spot.colorado.edu>